

بررسی و شناخت آثار و خصوصیات ورشکستگی تاجر

در قانون تجارت ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

تورج رامیار

حقوقدان، پژوهشگر و مولف کتب حقوقی

چکیده

تجارت، شغلی است که اشخاص بسیاری، آن را پیشه و حرفه خود قرار می دهند و علاوه بر کسب درآمد شخصی از جانب آن، نقشی بسیار مهم را نیز در پیش برد چرخه اقتصادی جامعه، ایفا می کنند. پرداختن به تجارت، علاوه بر مزایایی مانند کسب درآمد و جایگاه شغلی و اجتماعی مناسب، شخص را با برخی موقعیت ها و به تبع آن، برخی آثار حقوقی نیز روبرو می کند. طبق قانون ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده او است، حاصل می شود. بنابراین، چنانچه شخص حقیقی یا حقوقی ای که شغل خود را تجارت قرار داده، از تادیه دیون و وجوهی که بر عهده او می باشد، ناتوان شود، ورشکستگی، محقق می گردد. مزایا و معایب ورشکستگی زیاد است. از جمله معایب اینکه، آبرو و اعتبار فرد ورشکسته در بین کسبه و جامعه ای که او را می شناسد از بین می رود. در عین حال اعلام ورشکستگی برای فرد ورشکسته شده مزایایی هم دارد. از جمله اینکه بعد از اعلام ورشکستگی پیگیری طلب طلبکاران از طریق دادگاه می باشد و فرد ورشکسته مستقیماً با طلبکاران روبرو نمی شود. همچنین لازم به ذکر است بعد از اعلام ورشکستگی ورشکسته از پرداخت خسارت تأدیه معاف بوده و تنها موظف به پرداخت اصل بدهی است. علاوه بر این باید توجه داشت طلبکاران با ورشکستگان صلح می کنند تا به حداقل مطالبات خود مثلاً پرداخت ۵۰ درصد بدهی توسط ورشکسته دست یابند. به هر صورت در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت آثار و خصوصیات ورشکستگی تاجر در قانون تجارت ایران بپردازیم.

واژگان کلیدی: تاجر ورشکسته، قانون تجارت، دیون تاجر، اعلام ورشکستگی، طلبکاران تاجر



بخش اول: بررسی مفهوم و معنای ورشکستگی

ورشکستگی، وضع بازرگان عاجز از اجرای تعهدات بازرگانی است. بدین معنا که نتواند دیون حال خود را بدهد. به عبارت دیگر اگر در دارایی حاضر، قسمت مثبت دارایی کمتر از قسمت منفی باشد حالت ورشکستگی تاجر محقق است. همچنین، اینطور مطرح شده است که ورشکستگی، حالتی است که در آن تاجر از تأدیه وجوهی که بر عهده او است ناتوان باشد. لذا ورشکستگی را باید معلول توقف دانست. ملاک این توقف را باید دارایی حاضر دانست نه مال های دور از دسترس. مفلس را باید فردی دانست که از تصرف در اموال خود به واسطه عدم کفایت دارایی ممنوع است. قانون تجارت ایران در این خصوص کسی را که تاجر نباشد، از تصرف در دارایی خویش ممنوع نکرده است. بنابراین تاجر ورشکسته کسی است که متصف به وصف ورشکستگی بوده و به حکم دادگاه قادر به تأدیه دیون خود نبوده و لذا ورشکسته اعلام شده است. مبنای ممنوعیت تاجر ورشکسته از انجام معاملات بعد از تاریخ توقف، برخلاف این که منتسب به خود تاجر باشد، متوجه حمایت از طلبکاران اوست. پس ورشکستگی یا توقف حالت یک تاجر یا شرکته تجاری است که از پرداخت بدهی های خود ناتوان شده و نمی تواند تعهدات خود را عملی کند. در اصطلاح به این چنین افراد ورشکسته، معسر و یا مفلس می گویند. ورشکستگی و مقررات آن تنها دربرگیرنده بازرگانان می شود و چنانچه اشخاص عادی قادر به پرداخت بدهی خود نباشند اصطلاحاً به آنان «معسر» گفته می شود. شرکت های تجاری چون بازرگان شناخته می شوند، مشمول مقررات ورشکستگی می شوند ولی شریکان و مدیران آنها چون تاجر نیستند مشمول این مقررات نخواهند شد. برای تقسیم دارایی های ورشکسته، بستنکاران نسبت به هم حق تقدمی ندارد ولی در حالت معسر، هر بستنکاری که زودتر اقدام نماید به نتیجه خواهد رسید. ورشکستگی باید به موجب حکم دادگاه اعلام شود و تا زمانی که دادگاه حکم ورشکستگی را صادر نکرده، ورشکستگی تاجر ثابت نمی شود. دادگاه عمومی محل اقامت تاجر صلاحیت رسیدگی به این موضوع را دارد. اعلام ورشکستگی بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران یا به تقاضای دادستان و یا حتی اظهار خود تاجر صورت می گیرد.



بخش دوم: نگاهی به خصایص و آثار حکم ورشکستگی

بند اول: اعلام ورشکستگی

ورشکستگی باید به موجب حکم دادگاه اعلام شود و تا زمانی که دادگاه حکم ورشکستگی را صادر نکرده، ورشکستگی تاجر ثابت نمی‌شود. دادگاه عمومی محل اقامت تاجر صلاحیت رسیدگی به این موضوع را دارد. اعلام ورشکستگی بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران یا به تقاضای دادستان و یا حتی اظهار خود تاجر صورت می‌گیرد. موضوعی که باید دادگاه در حکم خود به آن توجه کند. تعیین تاریخ توقف تاجر است. چه بسا حکم ورشکستگی تاجر در مورخ ۱۳۸۳/۱/۳۰ صادر شود ولی تاریخ توقف او از پرداخت بدهی اش در سال ۱۳۸۲ باشد از این رو دادگاه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین کند و اگر در حکم معین نشده باشد. تاریخ توقف تاجر از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا تاجر از تاریخ توقف حق مداخله در اموال خود را ندارد.

بند دوم: اثر حکم ورشکستگی نسبت به طلبکاران ورشکسته

از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، بستانکاران ورشکسته مکلف اند خود را به مدیر تصفیه یا اداره تصفیه معرفی و مدارک مطالبات خود را تسلیم نمایند. تا طلب آنها ثابت شود. مدیر تصفیه یا اداره تصفیه موظف اند در جریان تصفیه در بعضی موارد از هیئت بستانکاران نظر بخواهند. اثر حکم ورشکستگی نسبت به اشخاصی که مالی از آنها نزد ورشکسته به امانت است. اگر قبل از ورشکستگی، شخصی اوراق تجاری مانند چک، سفته برات و... به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاه دارد یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا پرداخت نشده باشند (در حالی که اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشند)، صاحبان آنها می‌توانند عین اسناد را باز پس گیرند. مال التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به نامبرده داده شده که به حساب صاحب مال التجاره به فروش برساند. مادام که عین آن به صورت کلی یا جزئی نزد تاجر ورشکسته موجود باشد با تاجر آنها را نزد شخص دیگری به امانت یا برای فروش گذارده



باشد و موجود باشند. قابل استرداد است. اگر عین مال التجاره ای که تاجر ورشکسته به حساب شخص دیگری خریداری کرده موجود باشد. چنانچه قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده، والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

بند سوم: اثر حکم ورشکستگی در معاملات ورشکته

چنانچه تاجر ورشکته از تاریخ اطلاع از وضع خود، معامله ای انجام دهد. این معامله مورد سوء ظن و شک است زیرا او سعی می کند با انجام این گونه معاملات به وضع خود بهبود بخشد. در اینجا معاملات تاجر از سه حال خارج نیست: یا معامله قبل از تاریخ توقف یا بین این تاریخ و تاریخ صدور حکم ورشکستگی یا بعد از تاریخ صدور حکم ورشکستگی است و به طور کلی معاملات تاجر قبل از تاریخ توقف صحیح می باشد اما از تاجری که عالم به توقف خود است، بای از تاریخ توقف، از کلیه معاملاتی که به زیان طلبکاران است خودداری نماید در غیر این صورت این معاملات باطل بوده و فاقد اثر خواهند بود. اگر تاجر ورشکسته بعد از تاریخ صدور حکم ورشکستگی معامله ای انجام دهد نیز باطل می باشد مگر معاملاتی که به نفع طلبکاران بوده و اداره تصفیه نیز صحت آنها را اعلام کند.

بخش سوم: نگاهی به انواع ورشکستگی در قانون تجارت

ورشکستگی را می توان در حالت به عادی به تقصیر و به تقلب تقسیم نمود.

بند اول: ورشکستگی عادی

برابر مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ قانون تجارت ایران کسی ورشکسته عادی محسوب می شود که تاجر یا شرکت تجارتی بوده و از پرداخت وجوهی که برعهده دارد متوقف گردد و ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده باشد توقف خود را به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خود اظهار نموده و صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتی خود را به دفتر دادگاه مزبور تسلیم نماید. صورت حساب موصوف باید مورخ بوده و به امضا تاجر رسیده و تعداد و تقویم کلیه



اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح صورت کلیه قروض و مطالبات و نیز صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی در آن مندرج گردد. بنابراین اگر تاجر یا شرکت تجاری بدهکار ظرف مهلت مقرر توقف از تادیه دیون خود را به دادگاه صلاحیتدار به انضمام مدارک مورد نظر اعلام کرد ورشکستگی عادی محسوب می‌شود.

بند دوم: ورشکستگی به تقصیر

الف - موارد چهارگانه الزامی صدور حکم ورشکستگی به تقصیر:

۱. مخارج شخصی یا مخارج افراد تحت تکفل تاجر در ایام عادی به نسبت عایدی او فوق العاده شود.

۲. تاجر مبالغ زیادی از سرمایه خود را صرف معاملاتی کند که در عرف تجاری موهوم بوده و یا سودآوری معاملات مذکور منوط به اتفاق محض باشد.

۳. تاجر به منظور به تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی گران‌تر یا فروشی ارزان‌تر از قیمت روز کند و برای بدست آوردن وجه نقد به روش دور از صرفه متوسل شود مثل استقراض یا صدور برات سازشی وغیره.

۴. تاجر پس از تاریخ توقف از ادای دیون و قروضی که بر عهده دارد یکی از طلبکاران خود را بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پردازد.

دوم - موارد سه‌گانه اختیاری صدور حکم ورشکستگی به تقصیر

۱. تاجر به حساب دیگری و بدون آنکه عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او انجام تعهدات مزبور فوق العاده باشد.

۲. عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ قانون تجارت رفتار نکرده باشد.



۳. تاجر دفاتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت واقعی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکند مشروط بر آنکه مورد اخیر الذکر تقلبی نکرده باشد.

سوم - تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقصیر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر بنا به تقاضای هر یک از طلبکاران یا دادستان و یا مدیر تصفیه پس از تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می آید. اگر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف دادستان به عمل آمده باشد هزینه دادرسی آن به هیچ وجه به عهده هیئت طلبکاران نمی باشد. اگر مدیر تصفیه ورشکسته به تقصیر را به نام بستانکاران تعقیب نماید در صورت براءت ورشکسته موصوف هزینه تعقیب به عهده بستانکاران می باشد و چنانچه تعقیب از طرف یکی از طلبکاران به عمل آمده باشد و ورشکسته براءت حاصل نماید هزینه دادرسی به عهده طلبکار است اما در صورت محکومیت ورشکسته مزبور هزینه دادرسی به عهده دولت خواهد بود.^۱

^۱ چکیده نظریه شماره ۱۰۴۳/۱۴۰۱/۷ مورخ ۲۴/۰۴/۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره درخواست تاجر معافیت از پرداخت هزینه دادرسی: در فرض سؤال که تاجر معافیت خود از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدید نظر را درخواست کرده و سابقاً در پرونده ای دیگر مدعی ورشکستگی شده و پرونده وی در جریان رسیدگی است، با ارائه گواهی دعوای اخیر الذکر باید تا زمان صدور حکم ورشکستگی و حسب مورد تا انعکاس موضوع به اداره تصفیه امور ورشکستگی و یا تعیین مدیر تصفیه، جریان تجدید نظرخواهی متوقف و سپس وفق عموماً اتمام شود.

استعلام: چنانچه تاجری که دعوای ورشکستگی خود را مطرح کرده و این دعوا در جریان رسیدگی است، در پرونده دیگری بابت حکمی که علیه وی صادر شده است، معافیت از پرداخت هزینه دادرسی را درخواست کند، دادگاه صادر کننده رأی معترض عنه در خصوص هبایت زینه دادرسی مرحله تجدید نظر با چه تکلیفی مواجه است؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه: با توجه به این که قانونگذار در ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، تاجری را که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی است، مکلف کرده است که برابر مقررات دادخواست ورشکستگی تقدیم کند، در فرض سؤال که تاجر معافیت خود از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدید نظر را درخواست کرده و سابقاً در پرونده ای دیگر مدعی ورشکستگی شده و پرونده وی در جریان رسیدگی است، با ارائه گواهی دعوای اخیر الذکر باید تا زمان صدور حکم ورشکستگی و حسب مورد تا انعکاس موضوع



بخش چهارم: مجازات ورشکستگی به تقصیر و مقام تعقیب و دادگاه صالح به رسیدگی به بزه ورشکستگی

ماده ۵۴۳ قانون تجارت در مقام بیان نوع و میزان مجازات بزه بازنشستگی به تقصیر مقرر داشته است: «ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا ۳ سال حبس تأدیبی است.» لیکن ماده حاضر را باید با توجه به موخر التصویب بودن مقررات ماده ۶۷۱ ق.م.ا منسوخه دانست و لذا مجازات این بزه در حال حاضر حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال می‌باشد مع الوصف حسب مقررات ماده ۵۵۸ قانون تجارت و ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قانون تجارت، برای تاجر ورشکسته به تقصیر مجازات تبعی نیز پیش‌بینی شده که در حال حاضر نیز قابل اعمال است. به موجب ماده ۵۴۴ قانون تجارت، رسیدگی به جرم، بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هریک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم بعمل می‌آید، لیکن بموجب ماده ۵۴۷ همان قانون: «مدیر تصفیه نمی‌تواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر. از حیث صلاحیت ذاتی، رسیدگی به بزه ورشکستگی تقصیر و تقلب، در صلاحیت دادگاههای عمومی است، لیکن از حیث صلاحیت محلی باید دید که آیا دادگاه محل اقامت تاجر صالح به رسیدگی است و یا دادگاه محل وقوع جرم؟ برخی از حقوقدانان با توجه به قواعد کلی آئین دادرسی (ماده ۵۱ قانون آ.د.ک) و خلاف قاعده بودن صلاحیت دادگاه محل اقامت تاجر، بر این عقیده‌اند که رسیدگی به بزه ورشکستگی اعم از ورشکستگی به تقصیر یا تقلب در صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و دادگاه محل اقامت تاجر در صورتی صالح است که ورشکستگی تاجر، عادی باشد. اما به نظر برخی دیگر از حقوقدانان جرائم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، سوای از اینکه عملاً در محل اقامت تاجر صورت می‌گیرد و اصولاً دادگاه محل اقامت تاجر آسان‌تر می‌تواند تحقیقات لازم را انجام دهد. در این رابطه این مزیت را

به اداره تصفیه امور ورشکستگی و یا تعیین مدیر تصفیه، جریان تجدید نظرخواهی متوقف و سپس وفق عموماً اقدام شود.



دارد که به لحاظ مشخص بودن دادگاه صالح، شکات با مشکل تشخیص دادگاه صالح مواجه نمی‌شوند و از لحاظ حقوقی نیز احراز ورشکستگی تاجر تقدم ذاتی و نه لزوماً زمانی بر احراز اعمال منجر به ورشکستگی دارد، زیرا صرف این اعمال جرم نیست بلکه به تبع ورشکسته شدن تاجر و به دلیل اینکه در ورشکسته شدن او نقش داشته‌اند جرم محسوب می‌شوند. به نظر این دسته از حقوقدانان چون شکایت ورشکستگی به تقصیر یا تقلب از مشتقات دعوی ورشکستگی بوده و از لحاظ صلاحیت رسیدگی مشمول قاعده کلی مندرج در ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی است لذا دادگاه صالح به رسیدگی به جرایم ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، دادگاه محل اقامت تاجر است.

بخش پنجم: بررسی و شناخت ورشکستگی به تقلب

مطابق ماده ۵۴۹ ق.ت.ا اگر تاجر دفاتر تجارتي خود را از روی عمد و سونیت مفقود نماید یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کند و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری آن را از بین ببرد و بالاخره اگر به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارائی و قروض به طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی‌باشد خود را مدیون قلمداد نماید ورشکسته به تقلب محسوب می‌شود. تعقیب جزائی و مجازات تاجر ورشکسته به تقلب تعقیب جزائی تاجر ورشکسته به تقلب همانند تعقیب جزائی ورشکسته به تقصیر می‌باشد و مجازات کسانی که به عنوان ورشکسته به تقلب محکوم می‌شوند از ۱ تا ۵ سال حبس می‌باشد. تاجر ممکن است در معاملات خود به لحاظ تحقق زیان یا بروز حوادث مختلف در ادای دیون و ایفاء تعهدات مالی ناتوان گردد. در زمان‌های گذشته در هر جامعه حسب ضوابط خاص نحوه برخورد با این گونه اشخاص متفاوت و در مقام مقایسه با قواعد حقوقی عصر حاضر غیر متناسب بوده است، حتی در پاره‌ای موارد بستانکار حق داشت مدیون را به عنوان برده اسیر نماید و بابت طلب خود بفروشد، به قتل رساند و یا قسمتی از اعضای بدن او را جدا کند. با تحول جامعه بشری ضوابط حاکم بر روابط بستانکار و بدهکار نیز متحول و در نتیجه حمایت از بدهکار پذیرفته شد. در مراحل بعدی تحول، استیفای حقوق بستانکاران از اموال بدهکار با حسن نیت و حمایت او در برابر اشخاص ذینفع به عنوان قاعده، مورد عمل قرار گرفت و بتدریج در این زمینه مقررات راجع به ورشکستگی وضع و اجرا شد،



باین ترتیب که در صورت عدم کفایت دارایی شخص برای ایفای دیون و تعهدات مالی حال شده، ستانکاران با فروش اموال و از محل آن استیفای طلب می نمودند. از نظر ضوابط حقوقی اسلام نیز بدهکار به عنوان مفلس از تعرض بستانکاران مصون شناخته شده و تقسیم دارایی وی در بین بستانکاران مورد عمل قرار گرفته است. در ایران با توجه به سابقه تبعیت از احکام اسلامی، مقررات افلاس و اعسار در مورد بدهکاران عادی و مقررات ورشکستگی درباره تجار ضمن قوانین پیش‌بینی شده است. طبق قانون افلاس مصوب سال ۱۳۱۰، مفلس شخصی است که دارایی او برای پرداخت هزینه‌های دادرسی یا بدهی او کافی نیست. به موجب قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳، دعوی افلاس از اشخاص پذیرفته نمی‌شود و برای اشخاص غیر تاجر منحصراً قواعد اعسار لازم الاجرا می‌باشد. اعسار وضعیت حقوقی شخصی است که بواسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به اموال خود، موقتاً قادر به پرداخت هزینه دادرسی و یا بدهی خود نباشد. مقررات افلاس و اعسار، قواعد عام در روابط حقوقی اشخاص و مقررات ورشکستگی قاعده خاص حقوق تجارت می‌باشد که منحصراً در امور تجاری و روابط بین تجار مورد عمل می‌باشد. افلاس معادل ورشکستگی در حقوق تجارت است. با این تفاوت که در حقوق تجارت، بستانکاران تاجر ورشکسته، از امکان استیفای طلب از دارایی ورشکسته برخوردار هستند. به عبارت دیگر، در حقوق تجارت به منظور ایجاد اعتماد که لازمه توسعه فعالیت بازرگانی است، عموم بستانکاران تاجر ورشکسته برای وصول طلب مورد حمایت قانونی هستند. ضمناً در مورد ورشکستگی به تقلب و به تقصیر، مجازات نیز در نظر گرفته شده در حالیکه در مورد اعسار چنین امری پیش‌بینی نشده است.

بخش ششم: آثار حقوقی حکم ورشکستگی در شرکت‌ها به صورت اجمالی

باید توجه داشت در امر ورشکستگی علاوه بر نکات مقرر در ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، قانون تجارت رعایت نکات دیگری رانیز لازم دانسته است.



۲- تصریح به اجرای موقت حکم

۳- تعیین عضو ناظر (ماده ۴۲۷)

۴- تعیین مدیر تصفیه ضمن حکم یا ظرف ۵ روز

۵- امر به مهر و موم اموال ورشکسته (ماده ۴۳۳)

۶- تصریح به قابل و اخواهی بودن حکم (ماده ۵۳۶)

۷- توقیف تاجر عند الاقتضا (ماده ۴۳۶ و ۴۳۵)

در صورت ورشکستگی بانک اداره تصفیه مسئول تصفیه خواهد بود و در صورتی که ورشکستگی یک مؤسسه بیمه اعلام شود دادگاه ابتدا نظر بیمه مرکزی ایران را جلب می کند بیمه مرکزی باید ظرف ۱۵ روز نظر خود را کتبا اعلام کند (ماده ۵۱ ق بیمه) و در نقاطی که اداره تصفیه وجود ندارد بیمه مرکزی ایران امور را به عهده دارد. دادگاه بایستی در حکم صادره تاریخ توقف را تعیین کند. تاریخ توقف برای ارزیابی صحت و بطلان معاملات تاجر اهمیت دارد. در صورت عدم تعیین تاریخ توقف، تاریخ حکم، تاریخ توقف محسوب میشود. این تاریخ قابل تغییر است. حکم ورشکستگی موقتاً قابل اجرا است (مواد ۴۱۵ و بعد ق.ت.). دادگاه در حکم ورشکستگی تاجر، یک شخص حقیقی را به عنوان مدیر تصفیه و ناظر تصفیه را نیز تعیین میکند و ضمناً دستور مهر و موم اموال ورشکسته، به غیر از مستثنیات دین را نیز صادر میکند. که اجرای آن توسط عضو ناظر خواهد بود. در صورتیکه اداره تصفیه امور ورشکستگی در حوزه دادگاه وجود داشته باشد، دادگاه عضو ناظر تعیین نخواهد کرد (ماده ۱ قانون تصفیه امور ورشکستگی) و نظارت در این امر بر عهده اداره مزبور میباشد (مواد ۴۳۳ تا ۴۳۹ ق.ت.). لازم به ذکر است کمیسیون حقوق تجارت اداره حقوقی در نظر مشورتی ۷ بهمن ۵۲ تصریح کرده است بازداشت مقرر در ماده ۴۳۵ ارتباطی با مقررات قانون منع توقیف اشخاص ندارد بلکه وظیفه ای است بر عهده تاجر به منظور تسریع و تسهیل امر ورشکستگی که عدم انجام این وظیفه موجب



بازداشت وی می‌گردد. مسأله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا برای جلوگیری از سوء استفاده تاجر قبل از صدور حکم می‌توان دستور توقیف اموال داد؟

اداره حقوقی در نظر ۹۵۵۱ / ۷ نوزده آبان ۷۱ اعلام کرده است: با توجه به مواد ۴۱۲ به بعد ق ت و قانون تصفیه از تاریخ اعلام ورشکستگی تا صدور حکم دادگاه جز رسیدگی به حکم ورشکستگی تکلیف دیگری ندارد و اداره تصفیه هم نسبت به اموال وظیفه‌ای ندارد و محکمه قبل از صدور حکم مجاز به مهر و موم اموال نمی‌باشد در عین حال اشخاص ذینفع می‌توانند به استناد آیین دادرسی مدنی در خصوص تأمین خواسته اقدام کنند. وظیفه مهر و موم به عهده عضو ناظر است (ماده ۴۳۴) و مهر و موم با توجه به نوع و وسعت اموال متفاوت است اموالی که در محدوده معین و محصور قرار دارند با بستن درب آن محل مهر و موم می‌گردد و اموالی مانند زمین با دستور توقیف به ثبت محل مهر و موم می‌گردد. برابر ماده ۱۱ (آ. اجرای مفاد اسناد) هرگاه اجرائیه قبل از اعلام ورشکستگی متعهد صادر و با ابلاغ و اقدامات اجرائی انجام شده باشد و حکم بدوی ورشکستگی فسخ و این حکم قطعی شود نیازی به تجدید عملیات قانونی انجام شده قبلی نیست

بخش هفتم: نگاهی اجمالی به خصوصیات حکم ورشستگی

۱- برخلاف اصل نسبی بودن احکام، حجم ورشکستگی عام و مطلق است یعنی علاوه بر کسانی که در دعوی دخالت داشته‌اند نسبت به افراد دیگر هم نافذ است. لذا اعلان آن ضرورت دارد. طبقه اعلان در قانون تجارت بیان نشده ولی ماده ۲۵ قانون اداره تصفیه مقرر داشته آگهی باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار دو بار به فاصله ده روز منتشر گردد.

۲- برخلاف قاعده فراغ دادرس و اعتبار امر مختومه دادگاه می‌تواند به اعتراضات رسیدگی و تاریخ توقف را تغییر دهد. چون حیات تجاری امر مستمری است که هر لحظه تغییر می‌یابد "وحدت موضوع" وجود ندارد و لذا قاعده اعتبار امر مختومه جاری نمی‌شود. البته اگر نسبت به زمان معینی که قبلاً رسیدگی شده دوباره طرح دعوی شود مشمول قاعد امر مختومه می‌گردد.



۳- اجرای حکم ورشکستگی نیاز به اجرائیه ندارد و رونوشت حکم به مدیر تصفیه ابلاغ می شود و او هم به محض ابلاغ شروع به کار می کند.

به نظر برخی حقوقدان ها اجرای موقت حکم ورشکستگی به جمع آوری اوراق و اسناد و حفظ و نگهداری اموال محدود است. (قائم مقامی و زنگنه) و برخی دیگر این تفکیک را مغایر اطلاق ماده ۴۱۷ می دانند. به نظر کمیسیون مشورتی حقوق تجارت اداره حقوقی ۲۲ بهمن ۵۰ اجرای موقت منحصر است به اقدامات تأمینی، دعوت بستانکاران و اداره اموال و رسیدگی به مطالبات و سایر اقدامات ضروری برای حفظ حقوق دیان و خود ورشکسته و نه فروش قطعی اموال که در صورت بلا اثر شدن حکم ورشکستگی نتوان وضع را اعاده کرد بدیهی است اموالی که احتمال ضایع شدن آنها می رود، یا ورشکسته با فروش آن موافق است می توان فروخت.

بند اول: شکایت نسبت به حکم ورشکستگی

قانون تجارت در مواد ۵۳۶ تا ۵۴۰ دو مورد را ذکر می کند یکی اعتراض ودومی استیناف. حکم ورشکستگی و تاریخ توقف قابل اعتراض است (م ۵۳۶) این اعتراض شبیه اعتراض به حکم غیابی است که دادگاه صادر کننده رسیدگی می کند با وجود آن که ماده ۵۳۷ مهلت اعتراض را ده روز (برای تاجر) یکماه (برای ذینفع) مقیم ایران و برای مقیم خارج دو ماه تعیین کرده ولی در ماده ۵۳۸ تلویحا این مدت را نسبت به تعیین تاریخ توقف تا پایان تشخیص و تعیین مطالبات تمدید کرده است. استیناف مذکور در ماده ۵۳۹ نیز از سیستم حقوقی حذف و تجدید نظر خواهی جایگزین آن گردیده است و چون حکم ورشکستگی حکم غیر مالی محسوب می شود طبق بند ب م ۳۳۱ آ.د.م قابل تجدید نظر در دادگاه مرکز استان است و قابل رسیدگی در دیوان نیست. ماده ۵۴۰ ق.ت. قرارهای غیر قابل تجدیدنظر را ذکر کرده است (در آن زمان، اصل بر قابلیت اعتراض آراء بود).



ماده ۵۴۰ - قراردادی ذیل قابل اعتراض و استیناف تمیز نیست.

۱ - قراردادهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه.

۲ - قراردادهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.

۳ - قراردادهای فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است.

۴ - قراردادی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر می دارد.

۵ - قراردادهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.

باید توجه داشت چون اکنون ماده ۳۳۲ ق آ.د.م قراردادهای قابل تجدیدنظر را ذکر کرده است ماده ۵۴۰ را برخی منسوخ می دانند، ولی به نظر می رسد این ماده خاص مقدم است و ماده ۳۳۲ (عام مؤخر) آن را نسخ نکرده است.

بند دوم: اثر حکم ورشکستگی در شرکت های سرمایه تجاری

اگر شرکت سهامی ورشکسته شود طلبکاران اصولاً حق مراجعه به سهامداران ندارند، مگر تمامی ارزش اسمی سهم پرداخت نشده باشد که می توان عمل به تعهد سهامدار را مطالبه کرد و سهامدار اگر پرداخت نکند و تاجر هم باشد می تواند ورشکسته تلقی گردد برعکس اگر شریک ورشکسته شود می توان توقیف سهام وی را در شرکت در خواست کرد. ورشکستگی شخص سهامدار بنا به محدودیت مسئولیت او موجب ورشکستگی شرکت نمی شود ولی قانونگذار برای حفظ حقوق طلبکاران شرکتهای سهامی در ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت) مسئولیت فری یا تضامنی مدیران را پیش بینی نموده و اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارائی شرکت برای ادای دیون آن تکافو نمی نماید هر طلبکاری می تواند از دادگاه ذیصلاح محکومیت مدیران شرکت سهامی را که



با ارتکاب تقصیر موجبات ورشکستگی شرکت و عدم تکافوی دارائی آن را فراهم کرده اند به پرداخت آن قسمت از دیون که وصول آن از دارائی شرکت امکانپذیر نیست تقاضا نماید. در صورتی که شریک شرکت با مسئولیت محدود ورشکست شود و طلبکاران برای وصول سهم الشرکه اش به شرکت مراجعه کنند چون آزاد کردن سهم الشرکه با انحلال شرکت ممکن است، هرچند ماده ۱۱۴ که موارد انحلال را می شمارد این فرض را ذکر نکرده ولی چاره ای جز انحلال نیست و از وحدت ملاک مواد ۱۳۶ و ۱۳۸ نیز می توان همین نتیجه را گرفت.

لازم و ضروری است به مواد مرتبط در این راستا اشاره ای داشته باشیم:

ماده ۱۲۸- ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۳۱- در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء بموجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقدا تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۴۳۹- در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر این که حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تاجر ورشکسته ممکن است به عنوان ورشکسته به تقصیر و ورشکستگی به تقلب تعقیب شود. اگر ورشکستگی در روند تجارت و بازرگانی متعارف و عادی، بر اثر عوامل خارج از اراده شخص تاجر یا بازرگان بر اثر حوادث غیر مترقبه اقتصادی، اجتماعی و یا طبیعی مانند جنگ، زلزله و غیر آن تحقق یابد و تاجر یا شرکت تجاری بدهکار ظرف مهلت مقرر توقف از تأدیه دیون خود را به دادگاه صلاحیتدار به انضمام مدارک مورد نظر اعلام کرد ورشکستگی عادی محسوب می شود. به یاد داشته باشید



ورشکستگی تاجر عادی محسوب می‌شود و گاهی نیز ورشکستگی بدون احراز سوء نیت تاجر و صرفاً در نتیجه تقصیر تحقق می‌یابد و تاجر ورشکسته به تقصیر محسوب می‌شود. (حکم ورشکستگی به تقصیر دو نوع اختیاری و اجباری است)

اول - تاجر در موارد زیر ورشکسته به تقصیر محسوب می‌شود:

۱- در مواردی که محقق شود مخارج شخصی تاجر در ایام عادی به نسبت در آمد او غیر متعارف و فوق العاده بوده است.

۲- در صورتی که محقق شود تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم تلقی می‌شود و یا مانند شرط بندی، تحقق سود در آن منوط به اتفاق محض است.

۳- اگر تاجر به قصد به تأخیر انداختن ورشکستگی خود خرید بالاتر از قیمت روز کرده باشد و یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه و صلاح است بکار برده تا تحصیل وجه نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات و یا بطریق دیگر باشد.

۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد. (از لحاظ حقوقی نیز این عمل طبق ماده ۴۲۳ ق.ت باطل است)

دوم - در موارد زیر ممکن است تاجر ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

۱- اگر به حساب دیگری و بدون اینکه در مقابل عوضی دریافت کرده باشد تعهدی نماید که نظر به وضعیت مالی تاجر در حین انجام، تعهدات پذیرفته شده غیر متعارف باشد.

۲- اگر عملیات تجاری تاجر، متوقف شده و ظرف مهلت و بترتیب مقرر در ماده ۴۱۳ (ق.ت.) رفتار ننموده و توقف خود را به دادگاه اعلام ننموده باشد.



۳- اگر با توجه به ضوابط مربوط به نحوه تنظیم و نگاهداری دفاتر تجاری، دفاتر تاجر ناقص و یا غیر مرتب باشد یا در صورت دارایی، وضعیت حقیقی تاجر اعم از دیون و مطالبات بطور صریح معین نشده باشد. مشروط بر اینکه در این مورد تقلب نشده باشد.

ورشکستگی به تقصیر جرم محسوب و برای مرتکب، مجازات پیش‌بینی شده است. تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر بنا به تقاضای هر یک از طلبکاران یا دادستان و یا مدیر تصفیه پس از تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می‌آید (مواد ۵۴۴ و ۵۴۷ ق.ت.). اگر تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف دادستان به عمل آمده باشد هزینه دادرسی آن به هیچ وجه به عهده هیئت طلبکاران نمی‌باشد. اگر مدیر تصفیه ورشکسته به تقصیر را به نام بستانکاران تعقیب نماید در صورت براءت ورشکسته موصوف هزینه تعقیب به عهده بستانکاران می‌باشد و چنانچه تعقیب از طرف یکی از طلبکاران به عمل آمده باشد و ورشکسته براءت حاصل نماید هزینه دادرسی به عهده طلبکار است اما در صورت محکومیت ورشکسته مزبور هزینه دادرسی به عهده دولت خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی این مقاله باید اذعان داشت ناتوانی تاجر یا شرکت تجاری از پرداخت دیون خود یا عدم موازنه میان دارایی و مطالبات تاجر ورشکسته صرفاً وضعیتی حادث شده نسبت به دارایی تاجر نیست، بلکه عدم درایت و شایستگی وی برای مدیریت دارایی دیگران را نیز نشان می‌دهد. از زمان بروز این عدم شایستگی و درایت، قانون‌گذار و قاضی برای صیانت از اموال شهروندان اصل نسبی بودن قراردادهای خصوصی را نقض کرده و به خاطر حمایت از مصلحت والائتری که آن، حفظ کیان نظام اقتصادی سالم است، مبادرت به بی‌اثر کردن اعمال حقوقی وی می‌کنند. گرچه دخالت یادشده، امری استثنایی محسوب می‌شود و باید تفسیر مضیق شده و به قدر متیقن اکتفا شود، ولیکن مبنای این دخالت و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که هرگونه مداخله در اموال توسط تاجر ورشکسته باید با ملاک اضرار به طلبکاران سنجیده شود. بنابراین اگر مصداقی از



دخالت در مواد قانونی احصا نشده ولیکن مضر به حال طلبکاران باشد، مشمول ممنوعیت خواهد شد. نحوه نگارش ماده ۴۲۳ قانون تجارت و به کارگیری عناوین عام نظیر تأدیه هر دین به هر وسیله، غرض قانون گذار را برای حمایت از بستانکاران و نظارت بر اعمال تاجر به خوبی نشان می‌دهد. قوانین ورشکستگی معمولاً برای تامین امنیت مبادلات تجاری، توزیع صحیح اموال ورشکسته بین طلبکاران و بالاخره بهبود وضع ورشکسته تنظیم می‌گردد. تحقق بخشیدن به اهداف مذکور در حقوق داخلی امکان پذیر می‌باشد، در نظریه وحدت و همومیت، اموال تاجر ورشکسته به نحو عادلانه بین طلبکاران تقسیم می‌گردد اما ذینفع خصوصاً طلبکاران کوچک احتمالاً باید مسافتی طولانی و پرهزینه را طی کنند. بدیهی است این امر نتیجه نامطلوبی از لحاظ عدم امنیت و عدم اعتبار معاملات به بار خواهد آورد زیرا کسانی که با تاجر قراردادهائی تنظیم می‌کنند به دارائی موسسه یا شعبه و یا نمایندگی محل انعقاد قرارداد توجه می‌نمایند و علی‌الاصول اطلاعات کمتری از اموال تاجر مزبور دارند توسعه صلاحیت دادگاههای ایران برای رسیدگی به دعای ورشکستگی تاجر و شرکتهای خارجی منطقی است و مطابق با عرف تجارت بین الملل نیز می‌باشد. در نتیجه به طوری که در بالا گفته شد امروزه کشورها سعی می‌کنند با تنظیم قوانین دیپلماتیک ارتباط هماهنگ کننده ای بین مشکلات ناشی از تعارض قوانین ورشکستگی، به ویژه اجرای احکام در سرزمین خود، برقرار نمایند. اصلاح قانون تجارت ایران و تجدید نظر در آن و تهیه متون قانونی راجع به دادگاه صلاحیت دار سرزمینی برای رسیدگی به ورشکستگی و تصفیه اموال ورشکسته و همچنین تنظیم قرارداد ارفاقی و در صورت، به ثبات و امنیت مبادلات بازرگانی در داخل ایران کمک شایانی خواهد کرد.

در نهایت و در کلام پایانی پژوهش حاضر لازم و ضروری است ورشکستگی و اعسار دارای تفاوت هایی به شرح ذیل می‌باشند:

۱. ورشکستگی امری است که در خصوص تاجر متوقف از تأدیه دیون اعمال می‌گردد ولیکن اعسار در خصوص افراد غیر تاجری که دارایی کافی ندارند و یا به اموال خویش دسترسی ندارند، می‌باشد.



۲. صدور حکم اعسار تنها با تقاضای مدیون صورت می گیرد، لیکن حکم ورشکستگی با تقاضای شخص تاجر و یا دادستان صادر می گردد.
۳. ورشکستگی اقسامی دارد (ورشکستگی عادی، ورشکستگی به تقصیر، ورشکستگی به تقلب) لیکن چنین تقسیم بندی در خصوص اعسار وجود ندارد.
۴. حکم اعسار تنها نسبت به خوانده همان پرونده تسری می یابد، لیکن حکم ورشکستگی با رعایت شرایط قانونی شامل کلیه طلبکاران می گردد.
۵. در ورشکستگی شخص تاجر از اداره اموال خویش منع می شود لیکن در اعسار چنین نیست.
۶. در ورشکستگی تصفیه دیون با اداره تصفیه یا با مدیر تصفیه است لیکن در اعسار چنین امری وجود ندارد.
۷. در ورشکستگی اوراق قضایی مرتبط به امور تجاری به اداره تصفیه یا به مدیر تصفیه ابلاغ می گردد لیکن در اعسار ابلاغ اوراق قضایی به اشخاصی غیر از معسر ممکن نمی باشد.
۸. انعقاد قرارداد ارفاقی تنها در خصوص تاجر ورشکسته پیش بینی شده است و در خصوص مدیون معسر چنین امری وجود ندارد.



منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

- آخوندی رضا، عاملیت تجاری در حقوق ایران و فرانسه، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- اسکینی، ربیعاً، حقوق تجارت، (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته) جلد چهارم، انتشارات سمت، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۵.
- جعفری لنگرودی محمد جعفر، فرهنگ عناصر شناسی (حقوق مدنی، حقوق جزا)، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- حاجیانی، هادی، حقوق نمایندگی، انتشارات دانش نگار، چاپ اول، تهران، پاییز ۱۳۸۶.
- حسنی، حسن، حقوق تجارت، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- خردمندی، سعید، وکالت در حقوق تجارت و تطبیق آن با فقه، انتشارات بوستان، کتاب قم، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.
- خلعتبری، امیر ارسلان، حقوق تجارت، انتشارات متبعه اطلاعات، بی جا، ۱۳۱۲.
- دمیر چیلی، محمد، حاتمی علی، قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، ناشر میثاق عدالت، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۶.
- سماواتی، حشمت الله، حقوق تجارت، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، تهران ۱۳۸۷.
- عارفی، محمد، حقوق تجارت، (بازرگانی) نشر اختر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.



- عرفانی محمود، حقوق تجارت، جلد اول، ناشر واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۵.

- کاتبی حسینی، حقوق تجارت، انتشارات گنج دانش، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۰.

ب) مقالات

- اسکینی ربیعا، قواعد حاکم بر تعهد تجاری در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۲، تیرماه ۱۳۷۷.
- رضایی رسول، نظریه نمایندگی در عقد وکالت در حقوق کشور فرانسه (مرد دو چهره) نشریه حزب الله، شماره ۱۲۰، ۱۳۸۵.
- صفایی حسین، معامله وکیل به نام خود در حقوق ایران با بررسی تطبیقی، بر منهج عدل (مقالات اهدا شده به استاد دکتر کاتوزیان) به سعی جعفری تبار، حسن، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
- قنواتی، جلیل، عیسائی تفرشی محمد، رابطه نهاد نمایندگی با نهاد های حق العمل کاری، عاملی و دلالتی، مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۸۰.

ج) جزوات

- امیری منصور، جزوه مدنی ۶، دانشگاه حقوق شهید بهشتی، نیرسمال دوم، ۱۳۸۵-۱۳۸۴.
- جعفر زاده میر قاسم، جزوه قواعد فقه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، سال تحصیلی ۸۸-۸۷.

- رحیمی خجسته حسین، جزوه حقوق تجارت چهار، ورشکستگی و تصفیه، مؤسسه داد آیین، بی تا.
- شهبازی محمد حسین، جزوه مدنی ۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تابستان ۸۳.
- فخاری امیر حسین، جزوه حقوق تجارت ۱، دانشگاه حقوق شهید بهشتی، نیمسال اول، سال تحصیلی ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳.

(د) منابع عربی

- آل کاشف الغطاء محمد حسین، تحریر المجله، جلد اول، نرم افزار جامع فقه اهل بیت.
- عاملی زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی) حاشیه ی الشرايع السلام، نرم افزار جامع فقه اهل بیت
- عاملی زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی) مسالك الافهام الى تنقيه شرايع الاسلام، جلد پنجم، نرم افزار جامع فقه اهل بیت.